

بررسی و نقد دیدگاه مشهور درباره ترتیب مصحف امام علی علیه السلام

رضا مهدیان فر*

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۵

سیده آرزو بنی صدر**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲

راضیه یوسفوند***

چکیده

ادعاهایی پیرامون نحوه چینش مصحف حضرت امیر(ع) بدون شواهد متقن، موجود می‌باشد که لازم می‌آید بار دیگر مورد واکاوی قرار گیرد تا از رهگذر اسقاط اعتبار آن‌ها، شبهات و ابهامات موجود پیرامون چینش سور در قرآن و نیز توقیفی بودن این امر پاسخ داده شود. در این صورت خدعه دشمنان علیه مولای متقیان مبنی بر هم زدن نظم توقیفی سور و نیز اعتبار بخشی کاذب به خلفای ثلاثه که همان همت گماردن بر سامان‌دهی به چینش سوره‌های پراکنده قرآن کریم می‌باشد، پاسخ داده می‌شود. تحقق این امر با استناد به دلایل متقن عقلی و نقلی ضرورت همسان بودن مصحف با قرآن نازل شده و قرآن موجود و نیز عصمت حضرت امیر(ع) و همچنین بررسی متن و سند این مدعیات صورت خواهد پذیرفت. روش تحقیق توصیفی بوده تا در نهایت با مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع متعدد چاپی و اینترنتی به نتیجه مورد نظر راه یابیم. از این رو برای یافتن پاسخ سؤالات پژوهش با مراجعه به منابع کهن و جدید به ریشه‌یابی این دیدگاه پرداخته و باطل بودن آن را از منظر تاریخی، حدیثی و متنی اثبات کرده‌ایم. **کلیدواژگان:** چینش سور، ترتیب نزول، جمع قرآن، توقیفی بودن.

مقدمه

از جمله مصاحف موجود در عصر جمع قرآن مصحف علی(ع) بوده است که وجود آن هم در منابع شیعه و هم اهل سنت گزارش شده است. روایانی که از وجود مصحف امام(ع) به صراحت سخن گفته‌اند و یا از موضوع گردآوری قرآن به دست حضرت یاد کرده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. سلیم بن قیس هلالی(م ۷۶ ق)(هلالی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۸۶۳، ۶۶۵، ۶۵۶، ۶۲۵، ۵۸۱) گفتار سلیم درباره مصحف، به آنچه دیگران گزارش داده‌اند بسیار نزدیک است و از این رو در نقل وجود موضوع، با آن‌ها هماهنگ است. از سوی دیگر، سلیم این خبر را از چند صحابی پیامبر و یاران نزدیک امام علی(ع) نقل کرده است؛ مانند ابوذر غفاری(م ۳۲ ق)، سلمان فارسی(م ۳۴ ق)، و ابن عباس(م ۶۸ ق).

۲. ابن عباس نیز از روایانی است که مستقلاً درباره مصحف سخن گفته است. برای نمونه گفته است: «خداوند قرآن را در قلب علی برنشاند و علی پس از پیامبر خدا، در شش ماه آن را گرد آورد»(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲: ۵۰).

در بخشی از منابع و مصادر شیعی، از مصحف امام آشکارا سخن رفته است؛ گرچه از کتاب‌های معتبر چهارگانه شیعه، تنها «کافی» از آن یاد کرده و شرحی مختصر آورده و درباره‌اش از امام صادق(ع) حدیث نقل کرده است. چنین گزارش‌هایی در دیگر کتاب‌های آن روزگار، کم و بیش به چشم می‌آیند که گاه در ضمن گفته و کلامی مربوط به رویدادهای عصر رسالت یا مربوط به کیفیت جمع قرآن آمده‌اند. به عنوان نمونه، شیخ صدوق در کتاب «التوحید» از جابر بن یزید جعفی(م ۱۲۷ ق)، که از یاران امام باقر و صادق(ع) است، از امام باقر(ع) حدیثی درباره توحید و نفی تشبیه نقل می‌کند و زمان خطبه را معین کرده می‌گوید: «فی خطبة خطبها بعد موت النبی بسبعة ایام وذلک حین فرغ من جمع القرآن»(صدوق، ۱۳۸۸، ص ۷۳).

از مصحف امام علی(ع) در منابع اهل سنت نیز یاد شده است برای نمونه، مقاتل بن سلیمان(م ۱۵۰) در تفسیرش به طور ضمنی به مصحف امام علی اشاره می‌کند(شهرستانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۲۸). و نیز زهری(م ۲۳۰) از نخستین تاریخ‌نویسانی است که به مصحف حضرت اشاره می‌کند. خوشبختانه اثر او باقی مانده است. وی در این

کتاب تنها یک خبر و آن هم از طریق اسماعیل بن ابراهیم، از ایوب و ابن عون، از محمد بن سیرین، درباره مصحف امام می آورد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۲۰).

یادآور می شویم که منظور ما از مصحف حضرت علی (ع) در این مقاله، همان مصحفی می باشد که به نقل از تاریخ (معرفت، ۱۳۸۲: ۱۳۳) بعد از پیامبر (ص) در زمان خلیفه اول از طرف ایشان به عنوان قرآن عرضه گشت که مورد پذیرش خلیفه و سایرین واقع نشد و امام فرمودند: دیگر هرگز آن را نخواهید دید. آنگاه داخل خانه خود شدند و کسی آن را پس از آن ندید (مظفر، ۱۳۹۲: ۸۲). و این جدای از سایر کتب حضرت از جمله "کتاب علی (ع)" می باشد که تفسیری و یا فقهی بوده اند.

از جمله ویژگی هایی که برای این مصحف ذکر شده است رعایت ترتیب نزول در چینش سوره های قرآن می باشد؛ که در این نوشتار سعی بر آن است تا این ویژگی در مصحف حضرت امیر (ع) مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

یکی از مباحث علوم قرآنی که مطرح و قابل تأمل است، بحث تناسب سوره ها می باشد. این تناسب را می توان در دو حیطة ظاهری و معنایی بررسی نمود؛ تناسب ظاهری مثل پایان سوره طور و آغاز سوره نجم، که به ترتیب آمده است: «ومن الليل فسبحه وادبار النجوم» و «النجم اذا هوى» که تکرار ماده (ن ج م) در «النجوم» و «النجم» دال بر ارتباط ظاهری میان آن دو سوره است. تناسب معنایی سوره ها مانند دو سوره فتح و حجرات که نقطه اشتراک آن دو انتقاد از بادیه نشینان تازه مسلمانی است که هنوز رسوم جاهلی را از خود دور نساخته اند. این تناسب خارق العاده در مبحث اعجاز عددی نیز قابل طرح است. حال این پرسش پیش می آید که این هماهنگی حاصل علم است یا تصادف و اتفاق؟ اگر حاصل علم است از علم محدود بشری در جامعه نزول نشأت گرفته و یا علم ذاتی و ازلی باری تعالی؟

از دیگر سو بحثی مطرح است پیرامون اجتهادی بودن چینش سوره ها و یا توقیفی بودن آن؛ اجتهادی بودن این امر طبق ادله متقن مردود تلقی می شود هر چند که طرفداران زیادی همواره دارد که در متن به برخی از این ادله اشاره خواهد شد لیکن اگر توقیفیت با استناد به دلایل و شواهد اثبات گردد، هرگونه جابه جایی در ترتیب سوره ها مستلزم وقوع تحریف است که علاوه بر تغییر در ساختار ظاهری قرآن، با توجه به تناسب

سوره‌ها، تغییر در محتوا و معنا را نیز در پی خواهد داشت. حال مسأله در اینجا نمایان می‌شود که آیا نظم سور قرآن با فرض توقیفیت چینش، امکان تغییر دارد یا خیر؟ و اگر امکان تغییر هست، این تغییر توسط حضرت امیر(ع) و در مصحف ایشان ایراد گشته یا خیر؟ بررسی نظم و تناسب سور و نیز پذیرش توقیفی بودن چینش، از جمله مهم‌ترین دلایلی است که تا زمان نزول قرآن و در زمان حیات پیامبر(ص) ترتیب سوره‌ها را مسجل می‌نماید. اما تغییر این نظم پس از پیامبر مستلزم وقوع تحریف می‌باشد؛ راهیافت تحریف در ساحت قرآن امری محال است که اثبات آن در این مقال نمی‌گنجد و تعارض بروز این تحریف در چینش با منزّه بودن قرآن از تحریف، شبهه‌ای بی‌اساس است که باید پاسخ داده شود. بر فرض وقوع چنین محالی این عمل از تعبد و تسلیم به دور است چه رسد که این قبیح را به معصوم نسبت دهیم.

ادعاهایی پیرامون نحوه چینش مصحف حضرت امیر(ع) موجود می‌باشد دال بر آنکه در جمع‌آوری این مصحف آیات و سوره‌ها بر طبق ترتیب نزول صورت گرفته است. اول آنکه طبق مقدمه فوق این جابه‌جایی مدلول تعبدی نداشته و دور از ذهن است. دوم آنکه طبق سخن ائمه(ع) این مصحف به دور از دسترس عموم و در نزد امامان معصوم(ع) می‌باشد و شاهد و دلیل محکمی برای این ادعا در چینش سور موجود نمی‌باشد.

ضرورت بررسی و اثبات این امر از آن جهت است که این قصور در جمع‌آوری سوره‌های کتاب جاودانه هدایت و مصون داشتن آن از تحریف و پراکندگی و نیز اجتهاد در این امر در عوض تعبد، از ساحت پیامبر(ص) و حضرت امیر(ع) زدوده و از تاریخ‌سازی جهت اعتبار بخشی کاذب به خلفای ثلاثه جلوگیری می‌شود.

پیشینه بحث

وصال به این منظور که وجه تمایز با پژوهش‌های پیشین می‌باشد، با استناد به دلایل متقن عقلی و نقلی ضرورت همسان بودن مصحف با قرآن نازل شده و قرآن موجود و نیز عصمت حضرت امیر(ع) و همچنین بررسی متن و سند این مدعیات صورت خواهد پذیرفت. پژوهش‌هایی در خصوص مصحف امام و ترتیب آن به انجام رسیده که بعضی در محتوا و برخی در روش از تحقیق حاضر متمایزند. رای نکونام در «پژوهشی در مصحف

امام علی(ع)» بر این استوار شده که مصحف امام بر اساس ترتیب نزول بوده است. / یازی در «مصحف امام علی(ع)» نتیجه مشخص و روشنی از ترتیب سوره‌ها ارائه نمی‌دهد. فاطمه زیان در مقاله «مصحف امیرالمومنین(ع) و ترتیب آن» به دنبال بررسی و نقد دلایل طرفداران نزولی بودن ترتیب مصحف / امیر(ع) است که شیوه بحث و رویکرد شبهه‌شناسانه پژوهش حاضر را از آن متمایز می‌کند.

پژوهش‌های ذیل از جمله کوشش‌های علمی محققان درباره مصحف / امام علی(ع) است که راهگشای ما در پژوهش حاضر بوده‌اند:

ایازی، سید محمدعلی. ۱۳۳۳ش، مصحف امام علی(ع)، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کفیل، محمدصادق. ۱۳۷۹ش، «مصحف حضرت علی علیه السلام»، تهران، فرهنگ کوثر، شماره ۴۸.

زیان، فاطمه. ۱۳۹۱ش، «مصحف امیر المؤمنین و ترتیب آن، معرفت، ش ۱۸۰. مهدوی راد، محمدعلی. ۱۳۸۴ش، «میراث مکتوب علوی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۳۷.

اصطلاحات و مفاهیم

دستیابی به رأی درست را در قالب بررسی برخی اصطلاحات پی می‌گیریم، زیرا به روشن شدن ذهن و فهم بهتر مطلب کمک خواهد کرد؛ زیرا ممکن است بکارگیری ناصحیح مفاهیم سبب بروز پیش داوری و مواجهه نادرست با مسأله شود.

جمع قرآن

جمع قرآن دارای دو معنی است که راجع به هر دو معنی نصوصی در قرآن و احادیث وارد شده است چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ (قیامت / ۱۷).

۱- جمع قرآن به معنی حفظ قرآن در سینه‌ها: در صدر اسلام حافظان قرآن را «جَمَاعُ الْقُرْآن» نیز می‌نامیدند. / بن سعد در «الطبقات الکبری» فصلی دارد به نام «ذکر من جمع القرآن علی عهد رسول الله» در این فصل تمام صحبت از حفظ قرآن است.

زرقانی تعبیر لطیفی درباره این معنای جمع دارد. وی می‌گوید: کتابت قرآن جمع در سطور است و حفظ قرآن جمع در صدور (سینه‌ها) (زرقانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۳۹).

۲- معنی دیگر جمع قرآن، نگارش آنست و این گونه جمع ممکن است به چند صورت باشد.

الف- تمام قرآن نوشته شده، ولی آیات و سوره‌ها نامرتب و متفرق و پراکنده باشد.

ب- قرآن به صورتی نگارش یافته باشد که فقط آیات آن در سوره‌ها مرتب باشد و هر سوره‌ای در صحیفه جداگانه تحریر شده باشد.

ج- قرآن با حفظ ترتیب آیات و سوره‌های آن مجموعاً در یک جا مرتب شده، و سوره‌ها نیز مانند آیات، یکی پس از دیگری تنظیم گردیده باشد (حجتی، ۱۳۷۲: ۲۱۸-۲۳۱).

دیدگاه‌ها پیرامون جمع قرآن

در مورد جمع‌آوری قرآن نظرات مختلفی را می‌توان مطرح کرد، که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. توقیفی بودن چینش سوره‌ها در قرآن

توقیفیت چینش سوره بدین معناست که ترتیب سوره‌ها همانگونه که در حال حاضر در مصاحف موجود است، به دستور پروردگار متعال و به واسطه جبرئیل به پیامبر اسلام (ص) وحی شده است و اجتهاد و رأی هیچ یک از صحابه در ترتیب آن مؤثر نبوده است.

بسیاری بر این عقیده‌اند که ترتیب کنونی سوره‌های قرآن به ارشاد پیامبر (ص) می‌باشد و این ترتیب در زمان رسول اکرم (ص) وجود داشته است. از جمله این کسان، ابن انباری، کرمانی و طیبی می‌باشند؛ در این باره روایت است که آخرین آیه نازل شده ﴿واتقوا یوماً ترجعون فیهِ الی الله﴾ است که بنا بر اشاره جبرئیل در سوره بقره آیه ۲۸۰ میان آیه ربا و دین جای گرفته است (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۱۲).

طیبی نیز سخنی مانند این نقل دارد (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۱۷) و بنا بر گفته آلوسی این سخنی است که از جماعت بسیاری روایت شده است (آلوسی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۶).

سید مرتضی اظهار می‌دارد که تمامی قرآن در زمان رسول اکرم (ص) آموزش داده می‌شد و حفظ می‌گردید و گروهی از صحابه مانند عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و غیر آن دو، قرآن را در حضور پیامبر (ص) چندین بار ختم کردند، و تمامی این‌ها با اندک تأملی دلالت بر این دارد که قرآن تدوین شده و مرتب بوده، نه پراکنده و از هم گسسته (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۵؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۸۳).

علاوه بر سید مرتضی، دانشمندان شیعه بسیاری، چه در گذشته و چه در حال، بر جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) تأکید کرده‌اند که از میان آن‌ها این اشخاص را می‌توان نام برد: شیخ صدوق (صدوق، ۱۳۷۱، باب ۳۱)، طبرسی (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۳)، فتح‌الله کاشانی (کاشانی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۱۳)، سید بن طاووس (ابن طاووس، ۱۳۶۳: ۳۹-۴۰)، شیخ حر عاملی (ابن صباغ، ۱۴۲۲ق: ۱۶۶)، حسن زاده آملی (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۳: ۲۶)، از دانشمندان متأخر و معاصر اهل سنت نیز بسیاری بر این باورند که ترتیب سور توقیفی است، از جمله آلوسی و زرقانی (زرقانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۳۹-۲۴۰) و صبحی صالح (صبحی صالح، ۱۳۷۲: ۷۰-۷۱).

۲. اجتهادی بودن چینش سوره‌ها در قرآن

گروهی از دانشمندان گذشته و حال، معتقدند که پیامبر (ص) در حالی وفات یافت که قرآن بر جریده‌های نخل، تخته سنگ‌ها، استخوان‌ها، تکه چرم‌ها و کاغذ و در سینه‌های مردم به صورت پراکنده بود، و گرچه آیات در ضمن سوره‌ها مرتب بودند و سوره‌ها نیز نام داشتند، اما قرآن به صورت مصحف و کتاب مدون وجود نداشت و ترتیبی نظام دار میان سوره‌های آن نبود و این کار در دوران‌های بعد انجام گرفت، بدین صورت که نخست در دوران خلافت ابوبکر، آیات قرآن به وسیله زید بن ثابت در ضمن سوره‌ها به صورت صحیفه‌هایی نوشته شدند و سپس در زمان عثمان سوره‌ها نیز نظم و ترتیب یافتند. البته بنا بر نظر شیعه پیش از همه این اقدامات حضرت امیر (ص) قرآنی گرد آورده بودند که مورد پذیرش حکومت واقع نشد.

از جمله کسانی که ترتیب سوره‌ها را به دست صحابه می‌داند، ابن جزری است. او می‌نویسد: ترتیب سوره‌ها به شیوه کنونی، کار عثمان و زید بن ثابت و کسانی است که با

او مصحف را نوشتند. و نیز گفته شده کار پیامبر است، اما این نظر ضعیف است و روایاتی که در این باره وارد شده، آن را رد می‌کنند (ابن جزئی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴). ابن فارس نیز این ترتیب را از اموری می‌داند که صحابه بر عهده گرفتند (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۱۶). از دیگر قائلین به این نظریه علامه طباطبایی است که در ضمن بحث گسترده‌ای درباره جمع و تدوین قرآن، ترتیب سوره‌ها را از آن صحابه می‌داند و بر این مسأله استدلال می‌کند و به نقد دیگر آرا می‌پردازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۱۲۴ - ۱۲۵).
استاد معرفت نیز به دفاع از این دیدگاه و مناقشه در رأی مخالف پرداخته است
 (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۸۰ - ۲۸۸).

۳. قول به تفصیل در چینش سوره‌ها در قرآن

گروهی از دانشمندان، رأی میانه‌ای را در ترتیب سوره‌ها اتخاذ کرده و ترتیب آن‌ها را در بخشی توقیفی و در بخشی اجتهادی می‌دانند. این گروه در تعیین این حجم اختلاف نظر دارند؛ سیوطی از جمله کسانی است که رأی میانه را انتخاب کرده‌اند؛ وی اصل تقدیم سوره‌های (طوال) بر (مئین)، (مئین) بر (مئین) و (مئین) بر (مفصلات) را به طور قطع، توقیفی می‌داند که در آن می‌توان ادعای اجماع کرد و اختلاف را منحصر در ترتیب سوره‌های این اقسام چهارگانه می‌داند. او می‌نویسد: کسی از من در این نظر پیشی نگرفته و دو امر مرا به این نظر واداشت:

۱. احادیثی که دلالت بر توقیفی بودن می‌کنند، و حدیث پرسش *ابن عباس از عثمان*.
 ۲. اتفاق تمامی مصاحف در این جهت که نخست، سوره‌های طولانی، سپس مثنائی و پس از آن مفصل را ذکر کرده‌اند و اختلافشان فقط در ترتیب سوره‌های هر گروه است.
- سیوطی می‌نویسد: «نظری که من اختیار می‌کنم، همان نظری است که بیهقی گفته است که ترتیب تمامی سوره‌ها توقیفی است مگر انفال و براءت» (سیوطی، ۱۴۴۵ق: ۳۵).
 دکتر حجتی نیز این عقیده را انتخاب کرده، می‌نویسد: «ترتیب سوره‌ها در قرآن موجود- کم و بیش- به همان ترتیبی است که در زمان پیغمبر (ص) فراهم آمده است، زیرا بسیاری از مدارک شیعی و اهل سنت، وجود چنین ترتیبی را- به طور نسبی- در زمان پیغمبر (ص) تأیید می‌کند. و در احادیث، اشاراتی دیده می‌شود که رسول اکرم (ص) به چنین ترتیبی در سطح بسیاری از سور قرآن اشاره فرموده، منتهی باید گفت که ترتیب

همه سور مانند ترتیب آیات، توقیفی نبوده، بلکه در ترتیب بعضی از سور، احتمالاً رأی و نظر صحابه دخیل بوده است (حجتی، ۱۳۷۲: ۹۰).

بررسی دیدگاه برگزیده

با توجه به مطالب مطرح شده پذیرش نظریه توقیفی بودن چینش منطقی خواهد بود که در ذیل به برخی از دلایل این پذیرش اشاره می‌شود:

دلایل عقلی

نگارش قرآن در زمان رسول الله (ص) یک امر ضروری و روشن است، زیرا قرآن سند و معجزه اسلام است و اهمال این امر با مقام رسول الله (ص) ناسازگار است و معنی ندارد که این کار اساسی را آن حضرت، به دیگران واگذار کرده باشد. از طرف دیگر، اعتماد به حفظ قرآن در سینه‌ها نمی‌توانست انسان را در مورد بقای این کتاب آسمانی مطمئن سازد. بنابراین پیامبر (ص) افرادی را انتخاب کرد تا قرآن را ثبت کنند و خود نیز بر کار آن‌ها نظارت داشت.

عقل و اعتبار عقلانی، که جدا حاکم‌اند بر اینکه پیغمبر (ص) قرآن را که معجزه و سند اسلام است باید جمع کرده و نوشته باشند و در شأن پیغمبر اسلام نیست که آن را اهمال نمایند و اثری از قرآن در خانه او نباشد تا زید بیاید با طریق‌هایی که قبلاً گفته شد از سینه مسلمانان جمع‌آوری کند. آیا پیغمبری که گفته می‌شود به قدری در ضبط قرآن حریص بوده که در موقع نزول قرآن آن را می‌خوانده تا مبادا یک کلمه‌ای فراموش گردد تا از طرف خداوند توسط آیه شریفه (قیامت/۱۶) از این کار نهی می‌شود و خداوند تضمین می‌کند که قرآن را در سینه پیغمبر محفوظ نگهدارد، و پیغمبری که می‌داند این قرآن در محافل دینی و مجالس اسلامی تا روز قیامت محور خواهد بود با این حال آن را ننویسد و به سینه‌های مسلمانان احاله کند تا زیدی پیدا شود و با گواهی دو نفر آن را در محلی ثبت کند؟ هرگز! (میرمحمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

مناسبت هر سوره با سوره قبل و بعد از خود و نیز ارتباط معنایی آن‌ها دلیل روشنی بر گردآوری قرآن در زمان آن حضرت است؛ زیرا غیر از پیامبر (ص) هیچ کس قادر بر انجام چنین کاری نیست و دور از عقل است که این نظم خارق العاده را به بشر با علم

محدود نسبت دهیم چه رسد به آن سطح از سواد و درک در جامعه خلفای سه‌گانه. از دیگر دلایل عقلی می‌توان به احتمال ناممکن توافق آن جمع از کاتبان و حافظان و جمع‌آوردگان و اصحاب بر سر چینش اجتهادی و سلیقه‌ای بعد از پیامبر اشاره کرد که اعتراض هیچ یک را در پی نداشت. از سوی دیگر طبیعت اجتهاد اختلاف رأی و دیدگاه را اقتضا دارد و گرنه اجماع حاصل می‌آید که افزون بر بی‌اعتباری یا حداقل مورد نزاع بودن اعتبار اجماع نزد فقهای شیعه؛ چنین اجماعی در تاریخ گزارش نشده است.

چگونه می‌توان تصور کرد که در طول سالیان زیادی، چه در حیات پیامبر(ص) و چه پس از رحلت ایشان، مسلمانان آن همه به قرآن و قراءت آن اهتمام داشته باشند، اما از پیامبر و از صحابه نزدیک آن حضرت نپرسند که سوره‌ها را به چه ترتیب بخوانند؟ و در مجموع دلایلی که قائلان به اجتهادی بودن ترتیب سُور اقامه نموده‌اند تا حدی مخدوش بوده و از اتقان کافی برای اثبات این نظریه برخوردار نیست.

دلایل نقلی

تعداد زیادی از آیات قرآن کریم دلالت دارد بر اینکه از زمان نزول قرآن سوره‌ها از همدیگر متمایز و هر یک از آن‌ها جداگانه در میان مردم و حتی در میان مشرکان و اهل کتاب منتشر شده بود زیرا رسول خدا طبق دستور قرآن کفار و مشرکین را به مبارزه و معارضه خویش دعوت کرد و در این مبارزه، از آوردن سخنانی همانند قرآن و سپس آوردن ده سوره و در نهایت آوردن یک سوره مانند سوره‌های قرآن را به آن‌ها پیشنهاد نمود و معنای این مبارزه و پیشنهاد این است که سوره‌های قرآن حتی در دسترس کفار و مشرکین نیز قرار گرفته بود(خوئی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۹۷).

از روایات متعددی استفاده می‌شود که قرآن در زمان پیامبر(ص) نگارش یافته است که این روایات خود به چند دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: خبر متواتر ثقلین؛ مانند دو حدیث زیر:

قال رسول الله(ص): انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی؛ (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶۸؛ صدوق، ۱۳۷۷: ۲۳۴)؛ همانا من در بین شما دو چیز گرانبها را به امانت می‌گذارم: یکی کتاب خدا و دیگری عترت من که اهل بیت من هستند.

واقعی از دو طریق از عمرو بن یثربی و از عبدالله بن عباس روایت کرده است که رسول خدا بعد از ظهر روز یازدهم که بعد از عید قربان بود، در منی در حالی که بر قصواء سوار بود، خطبه ایراد کرد و قمی می‌نویسد: آن حضرت در منی بعد از حمد و ثنای خدا فرمود: «ای مردم! سخنان مرا بشنوید و خوب به خاطر بسپارید؛ زیرا ممکن است که بعد از امسال دیگر مرا نبینید... سپس فرمود: آگاه باشید که من دو چیز در میان شما به یادگار گذاشته‌ام که اگر به آن دو تمسک بجویید، هیچ گاه گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم، اهل بیت را. به درستی که خدای لطیف و خبیر مرا آگاه کرده است که این دو هیچ گاه از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد می‌شوند. آگاه باشید که هر کس به آن دو چنگ بزند، نجات پیدا می‌کند و هر کس با آن دو مخالفت کند، هلاک می‌شود. آیا پیام الهی را ابلاغ کردم؟ مردم گفتند: آری. فرمود: خدایا تو شاهد باش» (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۱۱۰).

این حدیث و احادیثی از این قبیل که به صورت متواتر از پیامبر (ص) نقل شده، به خوبی دلالت دارد که قرآن در زمان آن حضرت جمع‌آوری شده است؛ زیرا لفظ کتاب به نوشته‌های پراکنده گفته نمی‌شود.

دسته دوم: اخباری است که دلالت می‌کنند بر اینکه، برای پیغمبر (ص)، نویسندگانی بوده که وقتی وحی قرآنی نازل می‌شد آن را می‌نوشتند و در موقعی که نبودند پیغمبر (ص)، آن‌ها را احضار می‌فرمود تا بنویسند و این معنی، مشهور و معروف در بین مسلمانان است. این روایات بخوبی دلالت می‌کنند بر اینکه آن حضرت در کتابت همانطور که از یک نفر رهبر معصوم انتظار می‌رفت کوشا بوده‌اند نه اینکه خود، اهمال نموده و احاله کرده‌اند تا پس از مدتی زیدی بیاید و از سینه مسلمانان، قرآن را جمع‌آوری کند.

دسته سوم: اخباری که تصریح در جمع‌آوری قرآن در زمان پیامبر (ص) می‌کند، مانند:

اخباری که دلالت دارند بر اینکه قرآن کریم در عصر پیغمبر (ص) جمع‌آوری شده است. از جمله بخاری از قتاده نقل می‌کند؛ می‌گوید: «از انس بن مالک پرسیدم قرآن را چه کسی جمع کرده است جواب داد چهار نفر که همگی از انصارند و قرآن را در عصر

پیغمبر(ص) جمع کرده‌اند: ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت و ابوزید و ما آن را به ارث برده‌ایم به انس گفتم ابوزید کیست؟ گفت یکی از عموهای من» (بخاری، ۱۳۹۲، ج ۶: ۲۳۰). و نیز روایتی که نسائی به سند صحیح از عبدالله بن عمر نقل می‌کند که می‌گوید: «من قرآن را جمع کردم و آن را در هر شب، قرائت می‌کردم تا اینکه پیغمبر شنید و فرمود: قرآن را در هر ماه قرائت و تمام کن» (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱، نوع ۲۰: ۱۲۴).

دسته چهارم: اخباری که در مورد چگونگی ختم قرآن از رسول الله(ص) نقل شده است:

عبدالله بن عمرو از پیامبر(ص) سؤال کرد در چه مدت قرآن را ختم کنم؟ فرمود: در یک ماه. گفتم: زودتر از این هم می‌توانم ختم کنم. فرمود: در بیست روز ختم کن (معرفت، ۱۳۸۲: ۷۳).

درباره توقیفی بودن چینش سوره‌ها دلیل‌های دیگری نیز اقامه شده است (فقهی زاده، ۱۳۷۴: ۶۴-۶۹) که به آنچه یاد شد بسنده می‌کنیم. گرچه ممکن است در برخی از این دلیل‌ها خدشه‌هایی وجود داشته باشد، اما اگر به مجموع آن‌ها بنگریم نظم یافتن سوره‌ها در حیات رسول اکرم(ص) را ثابت خواهند کرد.

واژه قرآن و کتاب

﴿قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ (اسراء/۸۸)

«بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آن‌ها پشتیبان برخی [دیگر] باشند»

در این آیه واژه قرآن مفهومی مطلق دارد و به مجموعه حروف، کلمات، آیات و سوره اشاره دارد زیرا در غیر این صورت دعوت به همانندطلبی به همان مصداق می‌شد. در آیات تحدی هیچ گاه به واژه‌ها و آیات هموردطلبی نشده است، بلکه از مخالفان خواسته شده یک سوره یا ده سوره مانند قرآن بیاورند، و برای ساختن چنین سوره‌ای هر کس (جز خدا) را می‌خواهند فرا بخوانند ﴿وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ و از همه اندیشمندان

و سخنوران و شاعران خود یاری بجویند تا شاید بتوانند سوره‌ای همانند کوچک‌ترین سوره قرآن تنظیم نمایند. بدیهی است که قوام سوره به واژه‌ها، حروف و جملات پراکنده و بی‌ارتباط آن نیست؛ بلکه آنچه این جملات را به هم مرتبط کرده مجموعه‌ای را پدید می‌آورد تا نام سوره بر آن اطلاق شود نظم و پیوستگی و ارتباط استوار میان آیات است که به گواهی آیات تحدی از «غیر خدا» ممکن نیست. به ویژه که در آیات تحدی هیچ گاه واژه «مثل» مقید نشده، بلکه با عبارات مطلقه مانند «فلیأتوا بحدیث مثله» همانندطلبی و مبارزطلبی را به همه قلمروهای قرآن کشانده است که بی‌شک یکی از جنبه‌های آن ارتباط مطالب و آیات با یکدیگر است.

﴿وماکان هذاالقرآن ان یفتی من دون الله ولکن تصدیق الذی بین یدیه وتفصیل الکتاب

لا ریب فیه من رب العالمین﴾ (یونس/۳۷)

«و این قرآن نه بدان پایه است که کسی جز به وحی خدا تواند بافت، لیکن سایر کتب آسمانی را تصدیق می‌کند و کتاب الهی را به تفصیل بیان می‌کند که بی هیچ شک نازل از جانب خدای عالمیان است»

اطلاق قرآن بر مجموعه وحی الهی که مشتمل بر کلیه کتاب‌های آسمانی است؛ این نظر به احتمال قوی باید مبتنی بر مدلول آیه کریمه باشد، زیرا سیاق آیه دلالت دارد بر اینکه کلمه «کتاب» در مقام بیان جنس است و مقصود از آن، جنس کتاب آسمانی است که در همه دوران‌ها از جانب خدای تعالی بر پیامبران عظام نازل شده است و مجموعه آیات و سوره را شامل می‌شود نه فقط قسمتی از کتاب.

در حدیث ثقلین که مشهور و معروف در میان مسلمانان است به آنچه از پیامبر اکرم (ص) باقی مانده کتاب اطلاق شده است چنانچه می‌فرماید: «إنی تارک فیکم الثقلین: کتاب الله وعترتی اهل بیتی...»؛ از اینکه می‌بینیم بر قرآن شریف کتاب اطلاق شده می‌فهمیم که مکتوب و نوشته شده بود. بدیهی است به آیاتی که در سینه‌های مسلمانان است، کتاب گفته نمی‌شود چنانچه به اشعار شاعری که در سینه‌های دوستان او است دیوان گفته نمی‌شود مگر اینکه به رشته تحریر بیاورد و همچنین معمولاً کتاب مجموعه‌ای را گویند که دارای وجود واحد مشخص بوده، صورت مدونی داشته باشد

نوشته‌های پراکنده و قطعه قطعه کتاب نامیده نمی‌شود تا چه رسد به آنچه اصلاً نوشته نشده و جای آن در دل‌ها و سینه‌ها باشد (میر محمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

واژه مصحف

فراهیدی می‌گوید: «مصحف را بدان رو مصحف گویند که جامع نوشته‌های میان دو جلد است» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۲۰). معمولاً مصحف از چند صحیفه و صحف سامان می‌یابد (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۳۸). «صحیفه» مفرد صحف و صحائف، در لغت یعنی: هر آنچه که در آن چیزی نوشته باشند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۴۷۶) و به معنای تکه‌ای از کاغذ یا پوست و... است که در آن چیزی مکتوب باشد (طریحی، ۱۳۷۵: ذیل ماده صحف).

مصحف، جمع آن مصاحف و در لغت، چیزی است که در آن، صحف جمع شده است؛ یعنی چیزی که دارای دو جلد بود و در آن اوراق، جمع‌آوری و نگه‌داری می‌گردید (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۴۷۶).

در اصطلاح، مراد از «صحف» ورقه‌هایی است که در آن‌ها آیات قرآن به صورت منظم جمع شده‌اند، و مراد از «مصحف»، ورقه‌هایی است که در آن آیات هر سوره و نیز تمامی سوره‌ها به ترتیب و پشت سر هم قرار گرفته‌اند (زنجانی، ۱۴۰۴: ق: ۹۷ و ۱۲۶؛ عسقلانی، ۱۳۸۲: ۴۰-۴۱).

نکته‌ای که بیش‌تر لغت‌پژوهان بر آن پای فشرده‌اند و آن را بر قید «جامعیت» افزوده‌اند، مکتوب بودن میان دو جلد است. تفاوت صحف و مصحف در این است که صحف عبارت از ورق‌ها و لوح‌هایی است که وقتی می‌خواهند آن‌ها را به یکدیگر پیوند زنند و مجموعه‌ای یگانه پدید آورند، میان دو لوح یا دو جلد می‌گذارند. از این روی گفته‌اند: مصحف، مجموعه صحف مکتوب میان دو جلد را گویند. و «مُصْحَف» و «مِصْحَف» را، «الجامع بین الدَّقَّتین» و در تفسیر «دَقَّتین» گفته‌اند: الدَّقَّة: جنب و پهلو و صفحه هر چیز است. پوست کشیده شده بر دو روی طبل را که بر آن می‌کوبند نیز، «دَقَّتَا الطَّبَل» یعنی جلدهای دو طرف طبل نامیده‌اند. از این رو، جلد اول و آخر کتاب را نیز «دَقَّتَا الْمُصْحَف» دو جلدِ دربردارنده «صفحات» کتاب می‌نامند، و هرگاه می‌گویند:

«حُفِظَ مَا بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ» مقصودشان این است که کتاب در میان دو جلد آن محفوظ است.

بنابراین، جای دادن قرآن در مصحف، بدین معنا است که اولاً آن را از حالت پراکندگی درآورده‌اند و ثانیاً میان دو جلد گذاشته‌اند. تفاوت میان قرآن و مصحف در همین است.

واژه «مصحف» در زمان حیات پیامبر کاربرد فراوان داشته و تعبیر رایجی بوده است، حتی خود ایشان نیز از قرآن‌های موجود در آن زمان به «مصحف» تعبیر کرده‌اند نه صحیفه. برای نمونه، به دو روایت اشاره می‌شود: «عن عثمان بن عبدالله بن أوس الثقفي عن جده قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «قراءة الرجل في غير المصحف ألف درجة وقراءته في المصحف تضاعف على ذلك ألفي درجة» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۵۱۶). همچنین فرمودند: «أعطوا أعينكم حظها من العبادة النظر في المصحف» (همو، ۱۴۱۹، ج ۱: ۵۱۰).

پس از ذکر این مقدمات پیرامون معنای مصحف، این نتیجه حاصل می‌شود که جمع قرآن در قالب مصحف در زمان پیامبر صورت گرفته و نه در زمان /بویکر و به وسیله زید، زیرا برابر گزارش‌های تاریخی، زید هر سوره را که کامل می‌شد در صندوقچه مانندی از چرم به نام «ربعه» قرار می‌داد تا آنکه سوره‌ها یکی پس از دیگری کامل شد؛ ولی هیچ گونه نظم و ترتیبی بین سوره‌ها به وجود نیاورد (زرقانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۵۴). و این ربعه‌ها به /بویکر و بعد به عمر و سپس به حفصه سپرده شد.

در این صورت در زمان /بویکر مصحف به صورت منسجم شکل نگرفت و با توجه به همسان‌سازی مصاحف در زمان عثمان درمی‌یابیم که مصحف به معنای خود در بین امت اسلامی موجود بوده است که مصاحف صحابه خاص پیامبر نیز شبیه به یکدیگر بوده است. به عنوان مثال ترتیب سوره‌های مصحف /ابی بن کعب تقریباً هماهنگ با ترتیب مصحف /بن مسعود بود، جز آنکه سوره انفال را پس از سوره یونس و پیش از سوره براءت قرار داده بود و نیز در تقدیم و تأخیر برخی سوره‌ها با آن تفاوت داشت. تفاوت دیگری که با مصحف /بن مسعود داشت، آنکه مشتمل بر سوره حمد و معوذتین بود (معرفت، ۱۳۸۲: ۳۲).

اهم ویژگی‌های مصحف امام علی (ع)

آنچه در روایات درباره ویژگی‌های مصحف امام علی (ع) آمده، تفسیرپذیر است و جای نقد و بررسی دارد. ویژگی‌های مصحف امام فهرست وار بدین شرح است:

۱. ترتیب بر حسب نزول؛
۲. ذکر ناسخ و منسوخ؛
۳. اشتغال بر تأویل؛
۴. اشتغال بر تنزیل؛
۵. بیان محکم و متشابه؛
۶. تفصیل احکام؛
۷. ذکر اسامی اهل حق و باطل؛
۸. املائی پیامبر و انشای علی.

بیان اسباب نزول و تأویل و تنزیل، ناسخ و منسوخ و... طبق روایات متعدد در این مصحف مجزا از متن اصلی آیات و به صورت حاشیه‌نویسی آورده شده است و جای تردید و محل بحث نمی‌باشد. از جمله این اقوال می‌توان به این سخنان اشاره نمود:

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «آیه‌ای از قرآن بر رسول الله نازل نشد مگر اینکه آن را بر من خواند و دیکته کرد تا بنویسم؛ و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن را به من آموخت» (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۸۴).

سلیم بن قیس از علی (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: «هر آیه‌ای که بر رسول خدا (ص) نازل می‌شد، خواندن آن را به من می‌آموخت و به من دیکته می‌کرد تا آن را به خط خود بنویسم و تفسیر، تأویل، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابهات آیات قرآن را به من تعلیم می‌داد. سپس از خدا می‌خواست تا توفیق فهمیدن قرآن و حفظ کردن آن را به من عطا فرماید. هر آیه و مطلبی را که پیامبر (ص) به من آموخته و دیکته کرده بود، نوشتم و هیچ آیه‌ای را فراموش نکردم» (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۹۲: ۴۰).

اضافه شدن این مطالب جهت توضیح و تفسیر بوده و مخالفتی با عقل و نقل ندارد؛ اما چینش سوره‌ها و یا آیه‌ها بر حسب ترتیب نزول مخالف عقل است بنا به دلایلی که

ذکر خواهد شد و از سویی با پذیرش توقیفی بودن چینش، هرگونه تغییر در این امر مستلزم راهیافت تحریف می‌باشد که امری به دور از ذهن و مخالف حکمت است.

نقد دلایل نظریه ترتیب نزول در مصحف

درباره مصحف حضرت امیر(ع) دلیل معتبری نداریم که بیان کننده ترتیب نزول مصحف ایشان باشد مگر گفتار برخی دانشمندان مانند ابن ندیم، و اگر آن حضرت پس از پذیرفته نشدن مصحفشان آن را از دیگران نهان داشتند و فرمودند: دیگر کسی آن را نخواهد دید(مظفر، ۱۳۹۲: ۸۲) چگونه بر عده‌ای روشن شده است که ترتیبش با مصحف کنونی تفاوت داشته است. البته ویژگی ممتاز مصحف ایشان آن بوده که مشتمل بر تنزیل و تأویل بوده است؛ یعنی افزون بر ثبت کامل متن مصحف، از زمینه‌ها و شأن نزول آیات، آگاهی لازم را در اختیار می‌گذاشته و از تأویلات و اسرار نهان قرآن نیز خبر می‌داده است.

حاکم حسکانی از دانشمندان اهل تسنن نیز با سند متصل از حضرت علی(ع) روایت کرده است: «هر آیه‌ای که بر رسول خدا(ص) نازل شد، قرائت آن را به من یاد داد و آن را بر من املا کرد و من آن را با خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را به من تعلیم داد و از خدا خواست فهم و حفظ آن را به من یاد دهد، پس حتی یک حرف از آن را فراموش نکردم»(حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۴۳).

در روایت دیگری از حضرت علی(ع) در جواب سؤال طلحه از مصحف آن حضرت چنین نقل شده است: «ای طلحه! هر آیه‌ای که خدای جلّ و علا بر محمد(ص) نازل کرده است به املائی رسول خدا(ص) و دستخط من در نزد من است و تأویل هر آیه‌ای که خدا بر محمد(ص) نازل کرده و هر حلال و حرام، حد، حکم یا چیزی که امت تا روز قیامت به آن نیاز دارد حتی دیه خراش، به املائی رسول خدا(ص) و دستخط من مکتوب است»(ابن جزئی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۷).

هیچ یک از روایات مرتبط با مصحف حضرت علی(ع) به صراحت و وضوح، ترتیب آیات و سور مصحف امام را روشن نمی‌سازند. عباراتی که طرفداران نزولی بودن ترتیب مصحف امام برای اثبات نظر خویش مورد استناد قرار داده‌اند و جوهری مختلف المعنی را

می‌پذیرد و ترجیح یک معنا بر سایر معانی ترجیح بلا مرجح است و یا هیچ گونه دلالتی بر این امر ندارد. در هیچ یک از روایات ذکرشده، دلیل قطعی بر ترتیب این مصحف شریف، بر اساس نزول مشاهده نشد و تمامی روایات به صورت محتمل بر ترتیب مصحف حضرت علی(ع) حمل گردید.

مهم‌ترین استنادات روایی افرادی که معتقدند مصحف حضرت علی(ع) بر اساس ترتیب نزول بوده، عبارت است از:

الف. روایت سلمان: در روایتی از سلمان نقل شده است: هنگامی که حضرت علی(ع) نیرنگ و بی وفایی مردم را دیدند، در خانه نشستند و به جمع آوری و تألیف قرآن مشغول شدند، و از خانه خارج نگشتند تا تمامی قرآن را جمع‌آوری کردند و آن را مطابق تنزیل و ناسخ و منسوخ نگاشتند (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۰۷؛ هلالی، ۱۴۱۵: ۱۴۶).
به فرض آنکه «تنزیل» بر ترتیب دلالت داشته باشد، می‌توان تصور نمود که معنای عبارت سلمان چنین است: علی(ع) مصحف خویش را بر اساس ترتیبی که خدا به پیامبرش فرمان داد که بر آن اساس قرآن را تنظیم و تألیف نماید، جمع‌آوری نمودند. خلاصه آنکه عبارت «علی تنزیله» در روایت مذکور، دلالت قطعی بر «ترتیب بر اساس نزول» ندارد.

ب. روایت ابورافع/ابورافع می‌گوید: «پیامبر(ص) در مرضی که بدان وفات نمودند، به علی(ع) فرمودند: یا علی، این کتاب خداست، آن را بگیر. علی(ع) آن را در جامه‌ای قرار داد و به خانه‌اش برد. وقتی پیامبر(ص) وفات نمودند، علی(ع) آن را آنگونه که خداوند نازل کرده بود، تألیف نمود، در حالی که به آن آگاه بود» (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۸۹: ۵۲؛ ج ۴۰: ۱۵۵).

«فألفه كما انزل» یعنی: بر اساس ترتیبی که خداوند به وسیله وحی بر پیامبر(ص) نازل فرمود، مرتب کردند.

این سخن که «در تألیف، محتوا سرنوشت‌سازتر است» سخن قابل پذیرشی نیست؛ چراکه مطالب هرچند زیبا و پرمحتوا باشد، اما در قالبی نامناسب، نامنظم و در هم، برای مخاطب قابل فهم نیست و او را سردرگم خواهد نمود. در کلام، هم محتوا مهم است و هم نظم و ترتیب.

نتیجه آنکه این روایت نیز دلالت صریح و قطعی بر نزولی بودن ترتیب مصحف حضرت علی(ع) ندارد.

ج. روایت محمد بن سیرین: *ابن سیرین* می گوید: «آن را طبق تنزیلش درآورد، و اگر به آن دست می‌یافتم در آن دانش فراوان است. (درباره آن) از عکرمه سؤال کردم، از آن بی‌اطلاع بود. از عکرمه پرسیدم: آیا آن را آنچنان که نازل گشته است، تألیف نمود؛ به ترتیب؟ (الفوه کما انزل؛ الاول فالاول؟) پاسخ داد: اگر جن و انس گرد هم آیند که همانند آن را بنویسند، قادر نخواهند بود. خبر یافتم که او منسوخ را نوشت و ناسخ را پس از آن نگاشت. خبردار گشتم که *ابوبکر*، عله را ملاقات کرد و پرسید: آیا امارت مرا خوش نداری؟ پاسخ داد: خیر. ولی سوگند یاد نمودم که عبا در بر نگیرم، مگر برای نماز، تا آنکه قرآن را جمع‌آوری نمایم. در برخی نسخ آمده: «*ابوبکر* گفت: خوب اندیشیده‌ای» (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۰۳).

اولاً، مروی عنه *ابن سیرین* نامعلوم است و مشخص نیست آنچه او بیان می‌کند از قول چه کسی است. ثانیاً، بدون هیچ تردیدی قسمت نخست روایت *ابن سیرین* جعلی و ساختگی است و با اجماع مسلمانان و حوادث مسلم تاریخی در تضاد است. ثالثاً، گوینده «کتابه علی تنزیله» نامعلوم است. آیا نقل سخن از دیگران است و یا سخن خود *ابن سیرین* است؟ اگر نقل روایت است راوی آن چه کسی است؟ رابعاً، عبارت «الفوه کما انزل» به صورت پرسشی مطرح شده و جواب عکرمه گنگ و غیر صریح است و ظاهراً بر محتوای مصحف دلالت دارد.

ابن سیرین می گوید: «در جست‌وجوی کتاب برآمدم و نامه‌ای به مدینه نوشتم و از دیگران برای یافتنش یاری خواستم، اما به آن دست نیافتم» (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۰۴). *ابن ندیم* می گوید: «مصحف نزد آل جعفر بود و آن را نزد *ابویعلی* حمزه حسنی دیدم که پاره‌ای از صفحه‌هایش از میان رفته بود و به خط امام بود» (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۳۰).

رامیار بر آن است که چون *ابن ندیم* «الفهرست» را حدود ۳۷۷ ق تألیف کرده است، آشکار می‌شود که نسخه‌ای از مصحف تا اواخر قرن چهارم نزد بنی حسن بوده است (رامیار، ۱۳۴۶: ۳۷۴) اما معلوم نیست تشخیص *ابن ندیم* و آل حسن در این باره که خط از آن امیر مؤمنان(ع) و نوشته یادشده همان مصحف بوده، درست باشد. چه بسا

مصاحفی که منسوب به امام است، ولی در صحت این انتساب تردیدهای بسیار موجود است (رامیار، ۱۳۴۶: ۳۷۴).

از طرفی طبق روایاتی مثل سخن / بن قیس که بیان می‌دارد امام فرمودند هرگز آن را نخواهید دید و با توجه به عصمت امام در گفتار، ادعای دیدن مصحف باطل خواهد بود. سلیم بن قیس هلالی که از اصحاب خاص امیر مؤمنان بود، از سلمان فارسی روایت می‌کند: «موقعی که علی (ع) بی‌مهتری مردم را نسبت به خود احساس کرد، در خانه نشست و از خانه بیرون نیامد تا آنکه قرآن را کاملاً جمع‌آوری کرد. پیش از جمع‌آوری حضرت، قرآن روی پاره‌های کاغذ و تخته‌های نازک شده و ورق‌ها نوشته شده و به صورت پراکنده بود. علی (ع) پس از اتمام، طبق روایت یعقوبی آن را بار شتری کرده به مسجد آورد. در حالی که مردم پیرامون ابوبکر گرد آمده بودند، به آنان گفت: «بعد از وفات پیامبر (ص) تا کنون به جمع‌آوری قرآن مشغول بودم و در این پارچه آن را فراهم کرده، تمام آنچه بر پیامبر نازل شده است جمع آورده‌ام. نبوده است آیه‌ای مگر آنکه پیامبر، خود بر من خوانده و تفسیر و تأویل آن را به من آموخته است. مبدا فردا بگوئید: از آن غافل بوده‌ایم». آنگاه یکی از سران گروه به پا خاست و با دیدن آنچه علی (ع) در آن نوشته‌ها فراهم کرده بود، بدو گفت: به آنچه آورده‌ای نیازی نیست و آنچه نزد ما هست ما را کفایت می‌کند. علی (ع) گفت: «دیگر هرگز آن را نخواهید دید» آنگاه داخل خانه خود شد و کسی آن را پس از آن ندید» (کمره‌ای، ۱۳۷۵، ج ۶: ۴۷۷).

د. روایات ظهور حجت: روایات بیان شده همراه گروهی از روایات، که اشاره به ظهور حضرت قائم (عج) و آموزش قرآن به مردم توسط ایشان دارد، دلایل روایی معتقدان به نزولی بودن ترتیب مصحف حضرت علی (ع) را تشکیل می‌دهد. در ذیل، به نمونه‌ای از روایات ظهور حجت، که در این باره بدان‌ها استناد شده، ذکر می‌گردد: جابر بن یزید جعفی از امام باقر (ع) روایت کرده است: «هنگامی که قائم آل محمد (ع) قیام کند خیمه‌ها برافراشته گردد برای کسانی که قرآن را آنچنان که نازل شده است به مردم آموزش دهند و آن برای کسانی که آن را حفظ نموده‌اند، سخت است؛ چراکه مخالفت با تألیف آنان است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۹-۳۶۴). شاهد در این روایت، «یخالف فیه التألیف» است. نخست اینکه حکم به جعلی بودن روایت داده نشده، بلکه گفته شده

است: طریق روایت مجهول است و در واقع، روایت به علت ارسال، ضعیف السند است. دوم، به فرض آنکه «تألیف» صراحت در «ترتیب» داشته باشد باز مخالفت با تألیف، لزوماً به معنای مخالفت در ترتیب نیست؛ چراکه در تألیف، علاوه بر ترتیب، محتوا و جنبه‌های دیگر نیز مد نظر است. پس در اینجا نیز چندین احتمال وجود دارد و بدون دلیل نمی‌توان یک طرف احتمال را مرجح دانست (ژیان، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

اگر بدون در نظر گرفتن هر آنچه درباره ترتیب سوره‌ها گفته شده بخواهیم ترتیب کنونی و امتیازات آن را مورد ارزیابی قرار دهیم، خواهیم دید که ترتیبی نیکوست و بر دیگر ترتیب‌ها ترجیح دارد.

توضیح آنکه درباره چارچوب و قالب سوره‌ها چهار پیشنهاد می‌تواند مطرح باشد:

۱. ترتیب کنونی که از سوره‌های بزرگ شروع و به سوره‌های کوچک ختم می‌شود.
۲. عکس این ترتیب یعنی شروع از سوره‌های کوچک و ختم به سوره‌های بزرگ.
۳. چینش سوره‌ها بر طبق ترتیب نزول.
۴. نداشتن هیچ گونه ترتیبی.

امتیاز مشترک میان دو ترتیب نخست آن است که مکان قرارگرفتن سوره‌های کوچک و بزرگ و متوسط مشخص است و پیدا کردن سوره و آیه‌ای از آن آسان خواهد بود. برای آموزش کودکان و کسانی که در ابتدای راه هستند نیز این جداسازی بسیار سودمند است.

اما از میان این دو کدام بهتر است؟ شاید بتوان گفت برای تلاوتگر قرآن در آغاز کار، داشتن نشاط باعث می‌شود خواندن سوره‌های بزرگی مانند بقره ساده و لذت‌بخش باشد و هرچه به سمت آخر قرآن پیش می‌رویم، سوره‌ها کوتاه‌تر شده و منزل‌گاه‌ها نزدیک‌تر می‌شوند، به گونه‌ای که با نزدیک شدن به پایان ختم قرآن، خواننده نشاط خود را افزون می‌بیند و خود را در جاده‌ای سرازیر می‌یابد که پیمودن آن آسان است، در حالی که اگر این ترتیب بر عکس بود، خواننده خود را در راهی رو به بالا می‌یافت که پیمودنش سخت می‌نمود.

طریق چهارم که ترتیب نداشتن سوره‌ها می‌باشد با روح اسلام که دینی نظام‌مند و وحدت‌آفرین است و برای جزئی‌ترین مسائل نظم و ترتیب قرارداده، ناسازگار است.

در این میان چینش بر طبق ترتیب نزول باقی می‌ماند که فایده مهمی که برای آن ذکر می‌کنند، همگامی با مراحل دعوت پیامبر و آگاهی از سیر حرکت آن است. گرچه این مسأله حائز اهمیت است، اما زمانی که ترتیب آیات در سوره‌ها بر طبق نزول نباشد و در موارد متعددی با آن مخالفت شده باشد، ترتیب نزولی سور تا چه اندازه کارساز خواهد بود؟ افزون بر اینکه برای کسانی که مایل به دانستن این امر باشند تاریخ و روایات وجود دارد که بازگو کننده این ترتیب باشد و سیر حرکت دعوت پیامبر را مشخص سازد. مسأله مهم‌تری که تمامی مسلمانان همیشه با آن در ارتباط‌اند، ترتیبی است که دستیابی به آیات و سوره‌ها را برای آن‌ها آسان سازد و تصور کنید که قرآن مخلوطی از سوره‌های بزرگ و کوچک باشد که در ترتیب، اندازه‌های مختلفی داشته باشند، آیا واقعاً این ترتیب را خواهیم پسندید، و چقدر برای ما دشوار خواهد بود اگر بخواهیم سوره‌ای خاص را در آن بیابیم؟

بنابراین از انصاف نباید گذشت که چارچوب کلی ترتیب قرآن بهترین چارچوب است و اگر کسی ترتیب سوره‌ها را به تمامی از آن پیامبر و وحیانی نمی‌داند دست کم باید این قالب کلی را وحیانی بداند و تغییرات را اندک و در درون بخش‌های هر یک از سوره‌های طوال، مئین، مثنی و مفضلات بداند.

ترتیب قرآن، ترتیبی طبیعی و سازگار است و در مجموع از سوره‌های طولانی به سمت سوره‌های کوچک می‌رود، اما با این حال ترتیبی کلیشه‌ای و خشک نیست که در لابه‌لای آن حتماً سوره بعد کمی کوچک‌تر از سوره پیش از خود باشد. حکمت‌هایی دیگر گاه باعث می‌شود که با تفاوت‌های اندک گاه سوره کوچک‌تر مقدم شده باشد.

این نکته را می‌افزاییم که خود قرآن کریم تصریح دارد که خداوند قادر و حکیم، خود نگاهبان و حافظ قرآن از هرگونه گزند است و هیچ خللی در این کتاب استوار و عزیز راه نخواهد یافت.

﴿انانحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون﴾ (حجر/۹)

﴿وانه لکتاب عزیز﴾ لایاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید﴾

(فصلت/۴۱-۴۲)

و این صیانت همانگونه که شامل هرگونه کاستی و افزایش در قرآن است، شامل نظم و ترتیب آن نیز می‌شود، چه آنکه نظم قرآن امر مهمی است و هرگونه خللی در آن، امر باطلی محسوب می‌شود که از ساحت قدسی قرآن به دور است.

از دیگر سو اشاره به این نکته ضروری است که سوره‌ها به صورت یکجا نازل نشده‌اند و گاهی در سوره‌ای یک آیه پس از آیه‌ای از سوره بعدی نازل شده است، با این حساب چگونه ممکن خواهد بود بتوان سوره‌ها را به صورت کلی طبق ترتیب نزول مرتب ساخت؟ به عنوان مثال گاهی اتفاق می‌افتاد پیغمبر اکرم (ص) - با اشاره جبرئیل - دستور می‌داد تا آیه‌ای بر خلاف نظم طبیعی در سوره دیگر قرار داده شود، مانند آیه:

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

که گفته‌اند از آخرین آیات نازل شده است پیغمبر (ص) دستور فرمود آن را بین آیات ربا و آیه دین، در سوره بقره آیه ۲۸۱ ثبت کنند؛ بنابراین ثبت آیات در سوره‌ها، چه با نظم طبیعی یا نظم دستوری، توقیفی است و با نظارت و دستور خود پیغمبر اکرم (ص) انجام گرفته است و باید از آن نظم پیروی نمود (معرفت، ۱۳۸۵: ۳۲).

نسبت دادن چنین صفتی به مصحف علاوه بر اتهام وارد آوردن به ولایت‌پذیری و تسلیم حضرت /میر، سبب این باور ذهنی می‌گردد که ایشان و مصحف ایشان از مردم جدا و غیر قابل دسترس هستند و این امر سبب خدشه وارد ساختن به نقش الگو و راهنما بودن ایشان و الگوپذیری شیعیان خواهد شد.

با فرض مسجل توقیفیت چینش سور، جابه‌جایی سوره‌ها مترتب وقوع تحریف است که بنا به دلایل عقلی و نقلی فراوان امری محال و دور از نظر خواهد بود. دلایل مصونیت قرآن از تحریف، دو دسته اساسی است: دلایل عقلی و نقلی.

در دلایل عقلی، تکیه اساسی بر عقل و برهان عقلی است و از دو دلیل ضرورت اتمام حجت و منوط بودن اعجاز قرآن به عدم تحریف آن، کمک گرفته شده است. دلایل نقلی نیز عبارت است از قرآن، سنت، تواتر قرآن و شهرت محققه به گواهی دانشوران فریقین. در استدلال به قرآن از این چهار آیه استفاده شده است: آیه رصد (جن/۲۷)، حفظ (حجر/۹)، نفی باطل (فصلت/۴۱) و اطفاء نور الهی (توبه/۳۲، صف/۸) (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۴۱).

در استناد به سنت، این روایات مورد استدلال واقع شده است: ثقلین، عرضه احادیث به قرآن، مراجعه به قرآن در فتنه‌ها و تلاوت سوره کامل در نمازها. در شهرت قطعی نیز گفتار برخی عالمان شیعه بازگو شده است تا روشن شود عالمان شیعی هماهنگ با سایر اندیشمندان اسلام، به شبهه تحریف پاسخ داده و بر آن خط بطلان کشیده‌اند.

اثبات عدم تحریف قرآن در این مقال نمی‌گنجد. لیکن جدا از ناممکن بودن این فرض، چنین عملی در شأنیت عصمت امام نخواهد بود. زیرا در منابع ذکر شده است که پس از یکسان سازی مصاحف و مشاهده غلط‌های املائی در آن‌ها، حضرت /میر(ع) در پاسخ به کسانی که از امام پرسیدند آیا آن را تغییر نمی‌دهی؟ فرمودند: از امروز هیچ تغییری در قرآن نباید داده شود (طبری، ۱۳۵۶، ج ۲۷: ۱۰۴) تا مبدا دست بردن به قرآن سنت شود؛ حال چگونه ممکن است خود باب اجتهاد در چینش را، ولو طبق ترتیب نزول، باز نمایند؟

و نیز از دیگر سو این ادعا سبب تقویت این فرضیه می‌شود که جمع‌آوری و سازمان‌دهی به سوره‌های قرآن امری اجتهادی و ابتکاری از سوی خلفا بوده است. حاشا که این پندار اعتباربخشی کاذبی است به خلفا جهت موجه نمودن وجهه غیر الهی اینان در نزد عوام تا در سایه آن نیل به اهداف خویش میسر شود. لازمه ترتیب نزولی، ترتیب بر اساس آیات و سوره است که بیش‌تر طرفداران این دیدگاه نیز همین ترتیب را پذیرفته‌اند (ژیان، ۱۳۹۱: ۶۹-۸۳). در این صورت مصحف امام(ع) از سوره‌هایی پراکنده و آیاتی نامنظم ترکیب می‌یابد که مصحف نامیدنش دشوار است. زیرا بعضی از آیات جایگاه خاصی پیدا نخواهند کرد.

اهم ویژگی‌های مصحف از دیدگاه برگزیده

از مباحث مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت ویژگی‌های ذکر شده برای مصحف حضرت /میر(ع) قابل پذیرش می‌باشند، مگر ترتیب نزول، که ترتیب سوره و آیات همان ترتیبی است که از پیامبر(ص) رسیده است. بنابراین اهم ویژگی‌های مصحف همان ویژگی‌های پیشین به جز ترتیب نزول خواهد بود.

تفاوت و شباهت مصحف حضرت امیر با سایر صحابه

از جمله تفاوت‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد تفاوت در قرائات برخی کلمات می‌باشد در حدی که به معنا آسیبی وارد نیاید و نیز شروع و حواشی که در مصحف حضرت امیر دیده می‌شد. اما شباهت قابل تأملی که می‌توان به آن اشاره نمود ترتیب سوره‌ها در مصحف افرادی چون ابی بن کعب و یا ابن مسعود است که شبیه به قرآن فعلی است و از سایر مصاحف نیز تنها اختلاف قرائات گزارش شده و نه اختلاف و تفاوت دیگری مثل ترتیب چینش سوره. این توافق آرا در ترتیب سوره‌ها در مصاحف شخصی نویس که جا برای اجتهاد باز است، امری بحث‌برانگیز است که اذهان را به سمت چینش متحد و توقیفی سوق می‌دهد.

شباهت و تفاوت مصحف با قرآن

مصحف نمی‌تواند متفاوت از قرآن باشد مگر در حاشیه نویسی‌ها که همان شأن نزول و ناسخ و منسوخ و... است که خدش‌های به اصل قرآن وارد نمی‌آید.

لزوم مطابقت مصحف حضرت امیر با قرآن در چینش سوره

با دو پیش‌فرض که از قبل برای ما مسجل شده به این مبحث وارد می‌شویم: نخست آنکه چینش حروف و کلمات و آیات و سوره قرآن امری فرا بشری و توقیفی است که بشر توان اجتهاد در آن را دارا نمی‌باشد. دوم لزوم اصل امامت و وجوب حضور ولی با اوصافی از جمله عصمت و علم لدنی و انتصاب ایشان از جانب خداوند. برابر مبانی کلامی و یقین به صفات ذات حق مثل علم و حکمت و نیز صفات ولی معصوم، امکان جابه‌جایی و اجتهاد در چینش سوره از جانب امام به دلیل مخالفت با امر الهی، محال خواهد بود. و این فرض محال دیگر جایی برای باز کردن این مبحث نخواهد گذاشت که آیا ترتیب سوره در مصحف حضرت امیر(ع) موافق با قرآن است یا مخالف آن و بر طبق ترتیب نزول؟

نتیجه بحث

طبق مباحث ارائه شده این مدعا به یقین نزدیک می‌گردد که ترتیب سوره توقیفی و از جانب خداست که توسط پیامبر ابلاغ گردیده است و بهترین شاهد و دلیل آن نظم و

تناسب آیات و سوره می‌باشد و سپس سایر دلایل عقلی و نقلی، پس از ابلاغ نیز با توجه به نزاهت قرآن از تحریف طبق نص صریح قرآن و سایر ادله متقن، هرگونه جابه‌جایی و تغییر در قرآن به سبب دلالت به تحریف و باب شدن اجتهاد در ساحت قرآن، به دور از عقل و حکمت خواهد بود؛ لذا چینش سوره‌های قرآن فعلی همان چینش قرآن نازل شده بر پیامبر است و با استناد به دلایلی چون ولایت‌پذیری و عصمت حضرت/میر(ع) لازم می‌آید ترتیب سوره‌ها در مصحف ایشان مطابق با همین چینش باشد و این امر ابطال مستندات فائیلین به چینش ترتیب نزولی را در پی خواهد داشت. نتیجه بحث آنکه آن دست از ویژگی‌هایی که برای مصحف ذکر شده است و مخالفتی با عقل و نقل که اعم از نص قرآن و قول معصوم می‌باشد را پذیرا هستیم و آن ویژگی که مغایر این ادله باشد که همان چینش سوره و آیات طبق ترتیب نزول می‌باشد را نقد کرده و کنار گذاشتیم؛ خواه این نسبت‌دهی به جهت بزرگداشت مصحف باشد و خواه به جهت پایین آوردن منزلت آن؛ و بر این مدعا تأکید داشتیم که ترتیب در مصحف همان ترتیب ابلاغ شده از سوی پیامبر(ص) بوده است.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن جزى، محمد بن احمد. ۱۳۷۸ش، **التسهيل لعلوم التنزيل**، چاپ اول، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن حجر عسقلانى. ۱۳۸۲ش، **فضائل القرآن**، چاپ اول، بيروت: دار و مكتبة الهلال.
- ابن سعد، محمد. ۱۴۱۰ق، **الطبقات الكبرى**، چاپ اول، بيروت: منشورات محمد على بيضون.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على. ۱۳۷۶ش، **مناقب آل ابى طالب**، چاپ اول، بی جا: المكتبة الحيدرية.
- ابن صباغ، على بن محمد. ۱۴۲۲ق، **الفصول المهمة فى معرفة الأئمة**، چاپ اول، قم: دار الحديث.
- ابن طاووس، على بن موسى. ۱۳۶۳ش، **سعد السعود**، قم: رضى.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. بی تا، **لسان العرب**، چاپ اول، بيروت: دار صادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. ۱۳۴۶ش، **الفهرست**، چاپ اول، بيروت: دار المعرفة.
- ألوسى، محمود. ۱۳۹۶ش، **روح المعانى**، چاپ هفتم، بی جا: پیدایش.
- امینی، عبدالله. ۱۳۷۸ش، **مصحف امام علی(ع)**، دانشنامه موضوعی قرآن کریم.
- ایازى، سيد محمدعلى. ۱۳۳۳ش، **مصحف امام علی(ع)**، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- بخارى، محمد بن اسماعيل. ۱۳۹۲ش، **صحيح بخارى**، چاپ دوم، بی جا: انتشارات شيخ الاسلام احمد جام.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۳ش، **نزاهت قرآن از تحريف**، چاپ اول، قم: بی نا.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد. ۱۴۰۴ق، **صحيح اللغة**، چاپ اول، بيروت: دار العلم للملايين.
- حجتى، محمدباقر. ۱۳۷۲ش، **پژوهشى در تاريخ قرآن كريم**، چاپ هفتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
- حسکانى، حاکم. ۱۴۱۱ق، **شواهد التنزيل**، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- خوئى، سيدابو القاسم. ۱۳۶۲ش، **البيان**، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد. ۱۳۸۸ش، **المفردات**، چاپ اول، تهران: انتشارات مرتضوى.
- راميار، محمود. ۱۳۴۶ش، **تاريخ قرآن**، چاپ اول، تهران: شرکت سهامى نشر اندیشه.
- زرقانى، محمد عبدالعظيم. ۱۳۸۵ش، **مناهل العرفان**، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانى و مطالعات فرهنگى.
- زرکشى، بدرالدين. ۱۳۸۴ش، **البرهان**، چاپ اول، تهران: هستى نما.
- زنجانى، ابو عبدالله. ۱۴۰۴ق، **تاريخ القرآن**، چاپ اول، تهران: منظمة الإعلام الإسلامى.
- سيوطى، جلال الدين. ۱۳۸۰ش، **الاتقان**، چاپ هشتم، تهران: اميركبير.

شهرستانی، عبدالکریم. ۱۳۸۷ش، **مفاتیح الأسرار ومصابیح الأنوار**، چاپ دوم، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط.

صالح، صبحی. ۱۳۷۲ش، **مباحث فی علوم القرآن**، چاپ اول، قم: الشریف الرضی.

صدوق، محمد بن علی. ۱۳۷۱ش، **اعتقادات**، چاپ اول، تهران: علمیه اسلامی.

صدوق، محمد بن علی. ۱۳۷۲ش، **عیون اخبار الرضا(ع)**، چاپ چهارم، تهران: صدوق.

صدوق، محمد بن علی. ۱۳۷۷ش، **کمال الدین وتمام النعمة**، چاپ ششم، تهران: کتابفروشی اسلامی.

صدوق، محمد بن علی. ۱۳۸۸ش، **التوحید**، چاپ ۱۰، بی جا: واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.

طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **المیزان**، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۹۲ش، **مجمع البیان**، چاپ اول، تهران: فراهانی.

طبری، محمد بن جریر. ۱۳۵۶ش، **جامع البیان**، چاپ اول، تهران: توس.

طریحی، فخرالدین. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرین**، چاپ ششم، تهران: مکتبه المرتضویه.

فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ق، **العین**، چاپ دوم، قم: مؤسسة دار الهجرة.

فقهی زاده، عبدالهادی. ۱۳۷۴ش، **پژوهشی در نظم قرآن**، چاپ اول، تهران: شورای هماهنگی سازمان تبلیغات.

قرطبی. ۱۳۶۴ش، **الجامع لأحكام القرآن**، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو.

کاشانی، فتح الله. ۱۳۵۱ش، **منهج الصادقین**، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی اسلامی.

کفیل، محمدصادق. ۱۳۷۹ش، **مصحف حضرت علی علیه السلام**، چاپ دوم، تهران: فرهنگ کوثر.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۵ش، **الکافی**، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، چاپ اول، قم: اسوه.

متقی هندی، علاءالدین. ۱۴۱۹ق، **کنز العمال**، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ۱۳۸۴ش، **بحار الأنوار**، چاپ چهارم، بی جا: انتشارات اسلامی.

محمدی شاهرودی، عبدالعلی. ۱۳۷۳ش، **قرآن هرگز تحریف نشده**، چاپ اول، بی جا: انتشارات قیام.

مظفر، محمدرضا. ۱۳۹۲ش، **السقیفة**، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

معرفت، محمد هادی. ۱۳۸۲ش، **تاریخ قرآن**، چاپ شانزدهم، تهران: سمت.

معرفت، محمد هادی. ۱۳۸۸ش، **التمهید فی علوم القرآن**، چاپ اول، قم: مؤسسة التمهید.

میرمحمدی زرنندی، ابوالفضل. ۱۳۸۸ش، **تاریخ و علوم قرآن**، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.

هلالی، سلیم بن قیس. ۱۴۰۵ق، **کتاب سلیم بن قیس**، چاپ اول، قم: هادی.

واقدی، محمد بن عمر. ۱۳۶۹ش، **المغازی**، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

مقالات

- حاجی امیری، شهربانو. پاییز ۱۳۸۸ش، «تحلیلی بر کیفیت چینش آیات و سوره‌ها در قرآن»، بینات، شماره ۶۳.
- ژیان، فاطمه. آذر ۱۳۹۱ش، «مصحف امیرالمؤمنین علی(ع) و ترتیب آن»، معرفت سال بیست و یکم، شماره ۱۸۰.
- محمدی، محمد حسین. زمستان ۱۳۸۳ش، «التمهید و جمع آوری قرآن»، فصلنامه بینات، سال یازدهم، شماره ۴.
- مهدوی‌راد. محمد علی. ۱۳۸۴ش، «میراث مکتوب علوی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، علوم حدیث، شماره ۳۷ و ۳۸.

Bibliography

- The Holy Quran .
- Ibn Jazi, Muhammad ibn Ahmad 1999, Facilitation of the sciences of reduction, first edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiyeh .
- Ibn Hajar Asqalani. 2003, The Virtues of the Qur'an, first edition, Beirut: Dar and Maktab al-Helal .
- Ibn Sa'd, Muhammad 1410 AH, Al-Tabqat Al-Kubra, first edition, Beirut: Muhammad Ali Beizun Publications .
- Ibn Shahr Ashub, Muhammad ibn Ali. 1997, Manaqib Al Abi Taleb, first edition, unpublished: Al-Maktabah Al-Haydariya .
- Ibn Sabbagh, Ali ibn Muhammad. 1422 AH, important chapters in the knowledge of the Imams, first edition, Qom: Dar al-Hadith .
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1984, Saad Al-Saud, Qom: Razi .
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram. No date, Arabic Language, First Edition, Beirut: Dar Sader. Ibn Nadim, Muhammad ibn Ishaq .
- Alusi, Mahmoud, 2017, Ruh al-Ma'ani, seventh edition, Bija: Peidayesh .
- Amini, Abdullah 1999, Mushaf of Imam Ali (AS), thematic encyclopedia of the Holy Quran .
- Ayazi, Sayed Mohammad Ali 1954, Imam Ali (AS) Mushaf, first edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance .
- Bokhari, Muhammad ibn Ismail. 2013, Sahih Bokhari, second edition, Bija: Shaykh al-Islam Ahmad Jam Publications .
- Javadi Amoli, Abdullah 2004, The Qur'an is free from distortion, first edition, Qom: Bina .
- Johari, Ismail bin Hamad. 1404 AH, Sahah al-Loghat, first edition, Beirut: Dar al-Alam Lelmalaein. Hojjati, Mohammad Baqir 1993, Research in the History of the Holy Quran, Seventh Edition, Tehran: Islamic Culture Publishing Office .
- Haskani, Hakem. 1411 AH, Evidence of Al-Tanzil, first edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance .

- Khoei, Seyed Abu Al-Qasim 1983, Al-Bayan, first edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance .
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad. 2009, Al-Mufradat, first edition, Tehran: Mortazavi Publications .
- Ramyar, Mahmoud 1967, History of Quran, First Edition, Tehran: Andisheh Publishing Company. Zarqani, Mohammad Abdul Azim 2006, Manahel Al-Erfan, first edition, Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Zarkeshi, Badroddin, 2005, Al-Burhan, first edition, Tehran: Hastinama .
- Zanjani, Abu Abdullah 1404 AH, History of the Qur'an, first edition, Tehran: Islamic Media System. Siouti, Jalaluddin 2001, Al-Atqan, 8th edition, Tehran: Amirkabir.
- Shahrestani, Abdul Karim 2008, Mafatih Al-Asrar and Mesbah Al-Anvar, Second Edition, Tehran: Center for Research and Studies on Linear Heritage .
- Saleh, Sobhi. 1993, Discussions in Quranic Sciences, first edition, Qom: Al-Sharif Al-Razi .
- Saduq, Muhammad ibn Ali 1992, Beliefs, First Edition, Tehran: Elmiyah Eslami .
- Saduq, Muhammad ibn Ali 1993, Ayoun Akhbar al-Reza (AS), fourth edition, Tehran: Sadough .
- Saduq, Muhammad ibn Ali 1998, Kamaluddin and Tamam Al-Taama, sixth edition, Tehran: Islamic Bookstore
- Saduq, Muhammad ibn Ali, 2009 , Al-Tawhid, 10th edition, Bija: Research Unit of Ghaemieh Computer Research Center.
- Tabatabai, Mohammad Hussein 1995, Al-Mizan, fifth edition, Qom: Teachers Association .
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan. 2013, Majma 'al-Bayan, first edition, Tehran: Farahani .
- Tabari, Muhammad ibn Jarir 1977, Jame Albian, first edition, Tehran: Toos .
- Tarihi, Fakhreddin 25, Bahrain Assembly, sixth edition, Tehran: Mortazavi Library .
- Farahidi, Khalil bin Ahmad 1409 AH, Al-Ain, second edition, Qom: Dar Al-Hijra Foundation .
- Fiqhizadeh, Abdul Hadi. 1995, Research in Quranic Order, First Edition, Tehran: Coordinating Council of the Propaganda Organization.
- Ghortabi, 1985, Al-Jame 'for the rules of the Qur'an, first edition, Tehran: Naser Khosrow .
- Kashani, Fathullah 1972, Manhaj Al-Sadiqin, third edition, Tehran: Islamic Bookstore .
- Kafil, Mohammad Sadegh 2000, Mushaf of Hazrat Ali (as), second edition, Tehran: Farhang Kowsar. Kelini, Muhammad ibn Ya'qub. 1996, Al-Kafi, translated by Mohammad Baqir Kamrahi, first edition, Qom: Oswa .
- Mottaqi Hendi, Alaeddin 1419 AH, Kanz al-Amal, first edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiya .
- Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi. 2005, Bahar Al-Anwar, fourth edition, Bija: Islamic Publications .
- Muhammad Shahroudi, Abdul-Ali. 1994, The Qur'an has never been distorted, first edition, Bija: Qayam Publications .
- Muzaffar, Mohammad Reza 2013, Al-Saqifa, fifth edition, Beirut: Scientific Foundation for Publications .
- Marefat, Mohammad Hadi 2003, History of Quran, 16th edition, Tehran: Samat .
- Marefat, Mohammad Hadi. 2009, Al-Tamhid Fi Olum Al-Quran, first edition, Qom, Al-Tamhid institute
- Mir Mohammadi Zarandi, Abolfazl. 2009, History and Quranic Sciences, First Edition, Qom: Teachers Association .
- Helali, Salim bin Qais. 1405 AH, the book of Salim bin Qais, first edition, Qom: Hadi .

Waqedi, Muhammad ibn Umar. 1990, Al-Maghazi, first edition, Beirut: Scientific Foundation for Publications .

Articles

Haji Amiri, Shahrbanoo. Fall 2009, "Analysis of the quality of the arrangement of verses and chapters in the Qur'an", Baynat, No. 63 .

Jian, Fatima December 2012, "Mus'haf of Amir Al-Momenin (AS) and its order", Maarefat, the twenty-first year, No. 180 .

Mohammadi, Mohammad Hussain, Winter 2004, "Al-Tamhid and collection of the Qur'an", Baynat Quarterly, Eleventh Year, No. 4.

Mahdavi Rad Mohammad Ali. 2005, "Alavi Written Heritage", Institute of Humanities and Cultural Studies, Hadith Sciences, No. 37 and 38.



Quarterly Journal of Quranic Studies, Twelfth Year, No. 46, Summer 2021, pp. 337-368

Review and critique of the famous view on the order of Mus'hef of Imam Ali (AS)

Date of Receiving: April 25, 2018

Date of Acceptance: September 24, 2018

Reza Mehdiانfar: Assistant Professor of the University of Holy Quran Sciences and Education. rezamahtab52@yahoo.com

Seyedeh Arezoo Bani Sadr: Master student of Quranic sciences.

Raziyeh Yousefvand: Master student of Quranic sciences.

Corresponding author: Reza Mehdiانfar

Abstract

There are claims about the arrangement of Mus'hef of the Amir (AS) without convincing evidence, which need to be re-examined in order to answer the doubts and ambiguities about the arrangement of form in the Qur'an and success of this issue. In this case, the deception of the enemies against the Mawla Motaghiyan to disrupt the confiscation order of the Holy Qur'an and also to falsely validate the three caliphs, which is the same effort to organize the order of the scattered Surahs of the Holy Qur'an, to be answered. The realization of this matter will be done by citing sound rational and narrative reasons, the necessity of the Mus'hef being identical with the Qur'an, and the existing Qur'an, as well as the infallibility of the Amir (AS), as well as the text and document of these claims. The research method is descriptive so that we can finally reach the desirable result by the library studying and using various printed and internet sources. Therefore, in order to find the answers to the research questions, by referring to old and new sources, we have traced the roots of this view and proved its invalidity from a historical, hadith and textual perspective.

Keywords: Form order, revelation order, Quran collection, being success.